کتاب شناسی استاد محمد بهمن بیگی

پروین زاد، شهلا

تأمل و دقت استاد بهمن بیگی برای چاپ کتاب، علی‏رغم آن همه جوشش احساسات، تراکم خاطرات و تسلط عجیبی که او بر کلمه و کلام دارد، به راستی شگفت‏انگیز است. نخستین اثر او «عرف و عادت درعشایر فارس» درست 60 سال پیش منتشرشد و سه اثر دیگرش: «بخارای من ایل من»، «اگر قره قاج نبود» و «به اجاقت قسم» به ترتیب با فاصله‏های 44، 65 سال پیش از یکدیگر به چاپ سپرده شده‏اند.

به راستی اگر بهمن‏بیگی تنها «عرف و عادت درعشایر فارس» را نوشته بود، به عنوان پژوهشگری جست‏وجوگر، شایسته احترام و تقدیر بود. اگر او فقط مجموعه داستان‏های کوتاه و جذاب «بخارای من ایل من» را درسال 68 و با فاصله‏ای طولانی از اولین اثر خود روانه بازار نشر کرده‏بود، لایق هرگونه بزرگداشت و تشویق بود. این اثر، همانند یک قطعه موسیقی با یک سمفونی زیبا، به دل می‏نشیند و خواننده را در جذبه نثری دلاویز و پرتصویر پرواز می‏دهد و با خود به سرزمین زیبای عشایر می‏برد وبا مسائل مردم این خطه از کشورمان آشنا می‏کند.

انتشار «بخارای من ایل من» به راستی در سپهر ادب فارسی، یک حادثه بزرگ بود، آنچنان که همه نگاه‏ها را به سوی خود کشاند.

بهمن‏بیگی در اثر سوم خود «اگر قره‏قاج نبود» گوشه‏هایی از خاطرات و خطرات خویش را با نثری آهنگین و توصیفی به زیبایی به تصویر کشیده ودر واپسین اثرش «به اجاقت قسم» خاطرات آموزشی خود را در راه پرفراز ونشیبی که برای سوادآموزی عشایر این مرز وبوم پیموده، بیان کرده‏است. وی در حال حاضر به نگارش خاطرات متأخر خود مشغول است و امید می‏رود که در آینده‏ای نزدیک، شاهد اثر برجسته دیگری از بنیانگذار آموزش عشایر و به تعبیری «پدر آموزش عشایری» کشورمان باشیم. آنچه درپی می‏آید، تنها گزارش کوتاهی از چهار اثر منتشر شده استاد بهمن بیگی است.

ء عرف و عادت در عشایر فارس

محمد بهمن بیگی، چاپ دوم، شیراز، انتشارات نوید، 1381 (چاپ اول، تهران 1324)، 135 ص. رقعی.

استاد بهمن‏بیگی اثر حاضر را درست 60 سال پیش، زمانی که حدود جوانی 20 ساله بود، نوشته‏است. کتاب از چنان اهمیتی برخوردار بوده که در همان سال انتشار، مورد توجه نویسندگان بزرگ و نشریات معتبر ادبی - علمی قرار گرفت.

چاپ دوم اثر، در فاصله‏ای 57 ساله و درسال1381 منتشر شد. بهمن بیگی در مقدمه این چاپ به علل تأخیر چاپ دوم کتاب اشاره کرد و مشکلات را بر شمرده‏است. نویسنده دراین کتاب، با نگاهی از درون، خواننده را با آداب و عادات و اخلاق و رسوم و همچنین دیگر جنبه‏های متنوع زندگی ایل بزرگ قشقایی در دوره تألیف کتاب آشنا می‏کند. از آنجا که موءلف، آگاه به مسائل حقوقی بوده، در مبحث اول کتاب، موضوع عرف و عادات را از نظر حقوق مدنی، کیفری، آیین دادرسی، حقوق اداری و سیاسی اجتماعی در بین ایلات و عشایر فارس مورد بحث قرار داده و در مبحث دوم که اندکی مختصرتر است، به ذکر عقاید وافکار عشایر فارس پرداخته و در برخی موارد، آداب و رسوم عشایر فارس را با قوانین و رسوم ملل قدیم مقایسه و تطبیق کرده‏است.

استاد بهمن بیگی در این اثر، ضمن بیان بی‏سروسامانی عشایر جنوب در آن سال‏ها، درمان دردهای بزرگ عشایر را تنها در سایه مهر و محبت و تعلیم و تربیت دانسته و اعلام داشته: «برای جلوگیری از این همه سرگردانی و گمراهی، راهی جز ایجاد مدارس سیار و فراوان وجود ندارد.»

ء بخارای من ایل من

محمد بهمن بیگی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آگاه، 1369 (چاپ اول 1368)، 348 ص، رقعی.

بهمن‏بیگی در این اثر، غرض اصلی از نگارش کتاب را بازنمودن احوال ایلات فارس بویژه ایل قشقایی ذکر کرده‏است. بخارای من ایل من، از 9 دستانواره کوتاه، جذاب و دلنشین تشکیل شده‏است. آغازین اثر این مجموعه «بوی جوی مولیان» است. موضوع این داستان مستند، سرگذشت مولف از دوران کودکی و تبعید پدر و مادر وی به تهران تا هنگام بازگشت او به ایل است. در یکی از روزهای گرم تابستان شهر که فکر یار و دیار و هوای خوش ییلاق ایل در ذهن نویسنده خلجان داشته، نامه‏ای پر مهر از برادر، او را دگرگون می‏کند و به تعبیر نویسنده، نامه برادر، با او همان می‏کند که شعر و چنگ رودکی با امیرسامانی کرد. چنین بود که بهمن بیگی به همه زرق و برق‏ها و جاذبه‏های شهر پشت پا می‏زند و به «بخارای خود» به «ایل» می‏پیوندد. موءلف دراین اثر، با نثری شیوا که به شعر پهلو می‏زند، طی دستانواره‏هایی پرکشش، ضمن توصیف طبیعت زیبای سرزمین عشایر قشقایی، خواننده را با آداب و رسوم، معتقدات و مسائل و مشکلات مردم و بویژه زنان ایل و مصایب آنها آشنا می‏کند.

آل/ ترلان/ ایمور/ وطن/ شکار ایلخانی و شیرزاد/ ملا بهرام/ گاو زرد و «آب بید» برخی از داستان‏های کوتاه این مجموعه جذاب است.

ء اگر قره‏قاج نبود

محمد بهمن بیگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات باغ آینه، 1377(چاپ اول/ 1374)، 206ص، رقعی.

هفده خاطره و حکایتی که در این مجموعه فراهم آمده‏است، همچون اثر دیگر نویسنده: «بخارای من ایل من» هریک حاوی مطالبی جذاب است که قلم سحار نویسنده، رنگی از خیال و خاطره بر آن پاشیده‏است.

نام کتاب از دهمین خاطره این مجموعه گرفته شده‏است. قره‏قاج رودخانه پربرکت و زیبایی درخطه فارس است که از ارتفاعات «بن رود» سرچشمه می‏گیرد و تا سواحل خلیج‏فارس گسترده‏است.

بهمن بیگی در داستانواره اگر قره‏قاج نبود، ابتدا از ملال خود از ماندن در ایل و سپس از قصد خود برای سفر به سرزمین‏های دور خبر می‏دهد و به دنبال آن، به شرح جاندار و زیبایی از حکایت روزی می‏پردازد که سوار بر اسب محبوبش «سمند» دچار توفان می‏شود، به آب رودخانه «قره‏قاج» می‏زند و با دشواری به کمک سمند به ساحل سلامت می‏رسد، به شهر می‏آید، به اروپا و آمریکا می‏رود. زیبایی‏های طبیعی غرب را می‏بیند، اما هیچ‏گاه زیبایی قره‏قاج را از یاد نمی‏برد. نامه‏هایی که از خویشانش برایش ارسال می‏شود، بی‏تابی اورا برای بازگشت به وطن و به ایل صدچندان می‏کند و سرانجام به اندیشه حرکت از غرب و فرار به سوی ایل می‏افتد و درآخرین نامه‏اش از آمریکا خطاب به خانواده‏اش می‏نویسد: «... تاب و طاقت دوری شما را ندارم. تاب و طاقت دوری ایلم و وطنم را ندارم. با اولین بلیط هوایی که به دستم می‏آید حرکت می‏کنم. پیام مرا به گوش امواج قره‏قاج برسانید.

قره‏قاج، تو می‏خواستی غرقم کنی ولی من دست از دامنت برنمی‏دارم. من ترا بیش از همه رودهای روی زمین دوست می‏دارم. من یک موج کوچک ترا به صدها الب، هودسن و پوتوماک عوض نمی‏کنم.

قره‏قاج، می‏آیم ولی این بار می‏کوشم که بی‏گدار به آب نزنم و با کمک خداوند نهال‏های تازه‏ای در کنارت بنشانم و پل‏های استوار برایت دست و پا کنم.»

پارچه سلیکا، هدیه گرگین خان/ آهنگ گرایلی/ داستان ما و «فریدون/ حساب حافظ از دیگران جداست/ پدر و پسر/ و «بستان کردستان» عناوین برخی از خاطره‏های داستانی این مجموعه است.

ء به اجاقت قسم

محمد بهمن‏بیگی، چاپ سوم. شیراز، انتشارات نوید، 1382 (چاپ اول 1379)، 271 ص، مصور، وزیری.

«به اجاقت قسم» دربرگیرنده خاطرات آموزشی استاد بهمن بیگی بنیانگذار آموزش عشایر ایران است. این اثر از 21خاطره آموزشی تشکیل شده و عنوان آن، از سیزدهمین خاطره این مجموعه انتخاب شده‏است.

نویسنده در مقدمه این اثر تحت عنوان «چگونه به شرح چگونگی آموزش از آهنگ خویش به فرزندان عشایر و بیان تجربه‏هایش پرداخته و درحقیقت کلیدهای کامیابی خود را در راه دشوار تعلیم و تربیت عشایر به دست داده و می‏نویسد:«... یاران و دوستان من دست بردار نیستند و پیوسته می‏پرسند چگونه؟! من دراین کتاب سعی کرده‏ام که با گزارش پراکنده قسمتی از خاطرات آموزشی خودم، فراز و نشیب‏های راه رفته‏ام را به پرسندگان و دوستداران تعلیم و تربیت نشان دهم و به آنان بگویم چگونه!»

بهمن بیگی در نخستین اثر خود«عرف و عادت در عشایر فارس» درباره اعتقاد افراد ایل به «اجاق» می‏نویسد:«در آتش‏پرستی ملل باستانی گیتی نیز آثاری درمیان ایلات وجود دارد. افراد ایلات به اجاق خانه و خانواده عقیده کاملی دارند و آن را گاهی منبع آثار و صاحب قدرت می‏پندارند و عده‏ای از خانواده‏ها را صاحب اجاق پرفروغ‏تر و قوی‏تری می‏دانند و نسبت به چنین خانواده‏هایی بویژه خیانت را خطرناک می‏شمارند... قبه هر کانونی که در آن آتشی افروخته باشد معمول است و این قسم‏ها به اقتضای ایمانی که بدان دارند، می‏تواند مدعی یا منکر را قانع نماید. اجاق مردی را که فرزند نداشته‏باشد «کور» یعنی خاموش می‏دانند و به حال او تأسف فراوان می‏خورند...»

معلم بی‏تصدیق/ آموزگار ایلی/ مقررات دست‏وپاگیر/ آموزش عشایر و زنان/ آموزش عشایر و سازمان برنامه/ خدمت و تهمت/ و «چگونه شیراز مرکز آموزش عشایر کشور شد» عناوین بخش‏هایی از خاطرات این مجموعه‏اند.